

گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

مدرسه زمستانی فلسفه دین (آنلاین) آینده فلسفه دین و امکانات پیش رو

پنل اول (۵ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۸ تا ۱۸

دکتر لکنهاوسن «چشم‌اندازی نوین برای فلسفه دین»
دکتر رسولی پور «فلسفه دین در زیست جهان ما»
خانم دکتر پورمحمدی «جهانی‌سازی فلسفه دین»
دکتر مقدم حیدری «تفویج ادیان»

پنل دوم (۶ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۸ تا ۱۸

دکتر شهر آیینی «نسبت میان فلسفه و دین: گفتگویی انتقادی»
دکتر آزادگان «فلسفه دین، انسان‌گرایی و طبیعت‌گرایی»
دکتر مازیار «گذشته و آینده فلسفه دین و فلسفه هنر»
دکتر صادقی «مطالعات دینی چه می‌تواند به علوم انسانی بیاموزد: منظری فلسفی»

پنل سوم (۷ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۸ تا ۱۸

دکتر اکرمی «دین فرانسوی محدود و عقل»
دکتر اصفهانی «فلسفه دین پس از متافیزیک»
دکتر بهشتی «فلسفه دین: رویکردی هرمنوتیکی»
دکتر معین زاده «علم و دین: رویکردی پدیدارشناسانه»

پنل چهارم (۸ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۸ تا ۱۲

دکتر باسط «پایان فلسفه دین و پس از آن»
خانم دکتر قاسمی «بومی‌سازی فلسفه دین»

دبیر علمی: دکتر مهدی اصفهانی

دبیر اجرایی: فریدالدین سیبط

لینک نشست: <http://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-jyo-d90-7bc>

در صورت تمایل جهت دریافت گواهی شرکت در دوره با آدرس الکترونیکی ذیل تماس حاصل فرمایید

Philo.religion@ihcs.ac.ir

چشم‌اندازی نو برای فلسفه دین^۱

دکتر محمد لگنهاوسن

یکشنبه ۱۰:۰۰_۰۸:۰۰

مشخصات علمی

Hajj Muhammad Legenhausen is Professor of Philosophy at the Imam Khomeini Education and Research Institute in Qom. He is the author of *Islam and Religious Pluralism* (1999) and *Contemporary Topics of Islamic Thought* (2000). Among the works he has translated are: 'Allāmah Misbah's *Philosophical Instructions* (1999) and *Jesus (peace be with him) through the Qur'an and Shi'ite Narrations* (2009) collected by Mahdi Muntazir Qa'im. Among his recent works are papers on the ismah of the prophets and imams and on the nature of divine action, and a book in Persian on social theology, forthcoming from Hermes Press.

چکیده

A Glance at Contemporary Trends in the Philosophy of Religion

The philosophy of religion in the 1980's and 90's was dominated by epistemological questions. The main discussions were about how religious beliefs could be justified. Alvin Plantinga and William P. Alston each offered their own accounts of the justification of religious beliefs. Since then, other theological issues have attracted interest. There are attempts to use the tools of analytic philosophy of religion to examine specific theological doctrines, such as the Trinity, and the Resurrection. While Christians constitute the majority of those working in the philosophy of religion, there has been increasing input from non-Christian and even non-Abrahamic religions. While Muslim writers have often focused on general issues, such as the proofs for the existence of God and the problem of evil, specifically Islamic issues are beginning to be address, such as the analysis of the nature of prophetic revelation and the inerrancy of the prophets (and Shi'i Imams) peace be with all of them. Historical work on leading Muslim philosophers, such as Avicenna and Mulla Sadra, is also a source of contributions to contemporary Islamic philosophy of religion.

^۱. این سخنرانی به زبان فارسی برگزار خواهد شد.

فلسفه دین در زیست جهان ما

دکتر رسول رسولی پور

یکشنبه ۱۲:۰۰-۱۰:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: دانشیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی

استاد مدعو گروه الهیات دانشگاه نوتردام، ایندیانا، آمریکا ۱۳۹۲-۱۳۸۹

پسا دکترا: مرکز فلسفه دین، دانشگاه نوتردام، ایندیانا، آمریکا ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷

دکترا: رشته فلسفه دین، دانشگاه پونا، هندوستان ۱۳۷۹

کارشناسی ارشد: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شهید مطهری، تهران ۱۳۶۹

کارشناسی: الهیات و معارف اسلامی، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران ۱۳۶۶

برخی از جدیدترین آثار:

- ترجمه کتاب علم و دین در جستجوی حقیقت اثر جان پوکینگهورن (انتشارات حکمت ۱۳۹۶)

- تألیف و ترجمه گفتگوهای درباره دین طبیعی هیوم: خوانشی دیگر (انتشارات حکمت ۱۳۹۷)

- "The Other as My Equal", Poligrafi (indexed in Scopus) The Journal of the Scientific Publishing House Annales ZRS Koper, Slovenia, December 2020

- "A Review of Plantinga's Defense against the de jure Objections to Christian Belief", The International Journal of Humanities, Tarbiat Modares University, December 2020

چکیده

در راستای گزارش و تبیین تحولات اخیر در حوزه فلسفه دین و پیش‌بینی آینده‌ی آن، کوین شیلبراک از دپارتمان فلسفه‌ی آپالاجیان در کارولینای شمالی، و تیموتی نپر از دانشگاه دریک در آیوا، در مقاله‌ی چهارم و پنجم کتاب 'آینده‌ی فلسفه دین' (Springer, 2021) دیدگاه خویش را در موضوع اهمیت "عمل دینی" (religious practice) بیان داشته‌اند.

در هر دو مقاله، گزارش ژرفی از راهی که فلسفه دین در گسترش خود در فرا-مرزهای خوانش سنتی این رشته دنبال می‌کند، ارائه شده، و موضوعاتی که در مطالعات دینی معاصر محوریت یافته، مورد توجه قرار گرفته است.

شیلبراک در "اعمال دینی و شکل یافتن افراد" به سه رویکرد مهم پژوهش‌های اخیر در مطالعات دینی پرداخته است. او ضمن نقد و بررسی هر یک از رویکردهای هرمنوتیکی، انضباطی، و تجسم‌بخشی در عمل دینی، تلاش دارد تا نشان دهد این سه رویکرد می‌توانند به‌عنوان مکمل یکدیگر در شکل‌دهی به فردیت فرد دیندار نقش ایفا نمایند.

نپر هم در "فلسفه دین زیسته: انقلاب بعدی؟" ضمن بیان گذار از فلسفه دین به فلسفه ادیان، به ضرورت شکل یافتن "فلسفه دین خیابانی" که در آن، ضمن پاسداشت اعتقادات گوناگون، عمل دینی همه‌ی طبقات اجتماعی؛ از نخبگان گرفته تا انسان‌های معمولی را شامل گردد، می‌پردازد.

جهانی سازی فلسفه دین

دکتر نعیمه پورمحمدی

یکشنبه ۱۶:۰۰_۱۴:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: عضو هیئت علمی گروه فلسفه دین، دانشکده فلسفه، دانشگاه ادیان و مذاهب
دکتری: فلسفه و کلام اسلامی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۰.
کارشناسی ارشد: فلسفه و کلام اسلامی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۴.
کارشناسی: سطح دو علوم حوزوی، قم: جامعه الزهراء، ۱۳۸۲.

برخی از جدیدترین آثار:

- ژن بد! سقط جنین گزینشی؛ پرسش های اخلاقی، قم، انتشارات کتاب طه، ۲۰۰ ص.
- «فلسفه دین از دید گروه های در حاشیه» در همایش بین المللی فلسفه دین معاصر، آموزش و پژوهش فلسفه دین در ایران، بهار ۱۴۰۰.
- جهان معلول ساز: درباره اخلاق معلولیت، چاپ اول: قم، انتشارات توانمندان، ۱۳۹۸، ۸۸ ص.
- ایمان و اخلاق: مقایسه رویکرد الاهیات کرکگور و اشاعره متقدم، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول: ۱۳۹۰، چاپ دوم: ۱۳۹۷، ۲۰۰ ص.

"Towards Disability Theology in Christianity and Islam", in *Differently able. The different abilities of the bodies: the point of theologies*, International Association for Conciliar Theology International Journal for Theology – Concilium, Editors: Margareta Gruber, Huang Po-Ho, Gianluca Montaldi, 2020.

چکیده

چگونه «جهانی سازی» در حال باز تولید فلسفه دین است؟

صدای «گروه های در حاشیه» این بار از درون گروه های فلسفه دین در دانشگاه ها شنیده می شود. هویت هایی که پیش تر حذف شده بودند به صحنه آمده اند. رژیم گفتمانی «اروپامحوری» با افزایش آگاهی «جهان به اصطلاح سوم» سرنگون شده است. مقاومت «نخبگان مرد سفیدپوست جوان سالم طبقه متوسط به بالای روشنفکر غربی» شکسته شده است. گفتمان جهان «استعمارزدایی شده» و «جهانی سازی شده» در گروه های فلسفه دین قاره ای دنیا تولید شده و دارد به پیش می رود. آدم احساس می کند فیلسوفان دین لحن «آخر الزمانی» پیدا کرده اند،

صدای نتراشیده‌ای پیدا کرده‌اند که با آن می‌توانند دیکتاتوری «هترو»ی تک‌گو را افشا و رسوا کنند، صدای نخراشیده‌ای که با آن می‌تواند «بازگشت دین» را در گوشِ کَرِ سکولارکارها فرو کنند، سکولارکارانی که فقط «گمان می‌برند» شیخ دین را از خانهٔ جهان بیرون انداخته‌اند. خلاصه اینکه، فلسفه دین دارد شادانه، بر طبلِ فروپاشی نهلیسم و نسبی‌گرایی می‌زند.

اکنون، پرسش مهم فلسفه دین معاصر این است که حالا که همه تفاوت‌ها و تنوع‌ها و تکررها و سبک‌ها و تجربه‌ها به میان آمده‌اند، با سرگردانی چه کنیم؟ چارچوب تفکر و روش در این قالب چندبافتی پیچیدهٔ چندرشته‌ای چیست؟ آیا دنبال متافیزیک مناسبی برای پذیرش این حجم از تنوع و تفاوت بگردیم؟ پاسخ یک «نه» ساده است. فقط کافی است به «دیگری» گوش بسپاری. همین. شاید پیش‌گویی فوکو درست از آب درآمده است که «اگر فلسفه‌ای در آینده وجود داشته باشد، در خارج از مرزهای اروپا در نتیجهٔ برخورد فکرها و تن‌های متفاوت زاییده می‌شود»؛ چیزی که نامش را «گفتمان شرق‌شناسانه» گذاشته‌اند. فوکو البته الان نیست که ببیند چه پیامبرِ پیش‌گوی خوبی بوده است؛ چرا که تقریباً از سال ۲۰۱۸ به این سو هر کتاب فلسفه دین را که دست می‌گیریم، حتماً فصلی در باب ادیان خاورِ دور دارد؛ غیبت ناموجهی که رفته‌رفته دارد به حضور و ظهور می‌رسد. توگویی نظم‌جهانی تازه به کتاب‌های فلسفه دین دارد راه پیدا می‌کند. انگارکن مرزهای سیاسی، زبانی، نژادی، قومی، جنسی و بدنی از سرِ نو دارد سازمان‌دهی می‌شود. تو بگو تاریخ جهان از نو دارد نوشته می‌شود. تو بخوان طرح‌های جهانی‌سازی شده در راه است. فرودست‌ها دیگر نه تنها مجازند سخن بگویند، که زبان فرادست‌ها را نیز می‌چرخانند. آنچه «جنوب جهان» خوانده می‌شد به نقطه شمالی می‌آید. دین در هر نقطهٔ جهان که باشد، صدا پیدا می‌کند و در این نوبت، دانشگاهیان‌اند که در گروه‌های فلسفه دین صدای همهٔ بی‌صداها می‌شوند.

تنوع ادیان: تبیین یا توصیف

دکتر غلامحسین مقدم حیدری

یکشنبه ۱۸:۰۰_۱۶:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: دانشیار گروه فلسفه علم و مدیر گروه تاریخ علم و تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتری فلسفه علم و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۶-۱۳۹۰

کارشناسی ارشد فلسفه علم، دانشگاه صنعتی شریف، تهران ۱۳۷۴-۱۳۷۶

کارشناسی ریاضی محض، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۳-۱۳۷۶

برخی از جدیدترین آثار:

- کتاب تألیفی توصیف فلسفی علم: خوانش ویتگنشتاینی از ساختار انقلاب‌های علمی، (چاپ اول فروردین ۹۸، چاپ دوم شهریور ۹۸)، نشر نی.

- کتاب تکنولوژی: فرانکشتاین یا پرومته، (بهار ۱۳۹۸) ویراستاران علمی و تدوین: غلامحسین مقدم حیدری و علیرضا منجمی، انتشارات پگاه روزگار نو.

- مقاله «ابتنای آسیب‌شناسی اجتماعی دور کیم بر الگوی امر آسیب‌شناختی-بهنجار پزشکی مدرن» فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴۰۰ بهار.

The impact of clinical gaze techniques on the emergence of psychology: revisiting Michael Foucault's history of madness (2018) International Journal of Body, Mind & Culture, 5(3):135-41

چکیده

«چگونه می‌توان تنوع ادیان را تبیین کرد؟» یکی از پرسش‌های مهم و مطرح در فلسفه دین می‌باشد. اهمیت این پرسش معطوف به پرسش دیگری است: «چه معیار و میزانی برای ارزیابی ادیان مختلف وجود دارد؟» به عبارت دیگر «چگونه می‌توان فهمید که ادعای کدام یک از ادیان درست است؟» معیارها و نظریه‌های گوناگونی برای ارزیابی میان نظام‌های دینی مطرح شده است که بر این فرض بنیادین قرار گرفته‌اند که «یک نظام دینی متشکل از مدعیات گزاره‌ای است». زمانی که ما یک نظام دینی را ارزیابی می‌کنیم در واقع مدعیات گزاره‌ای آن را ارزیابی می‌کنیم و بدین گونه نظریات گوناگونی درباره صدق و کذب گزاره‌های دینی ارائه می‌نماییم.

اگر در شیوه استدلال فوق تأمل کنیم در می‌یابیم که این شیوه استدلال مبتنی بر این است که دینی جهانی وجود دارد که انسان‌ها در تمام طول تاریخ در آن مشارکت داشته‌اند، همانطور که می‌توان مدعی شد که یک علم جهانی وجود دارد که انسان‌ها در آن مشارکت داشته‌اند. در علم می‌توان از صدق و کذب گزاره‌ها و نظریه‌های علمی سخن گفت؛ با این حال دانشمندان خود را با «واقعیت» رو در رو می‌یابند و می‌کوشند تا چگونگی واقعیت را دریابند و بهترین تبیین‌های علمی را ارائه دهند. به همین نحو نیز دینداران خود را با «خداوند» مواجه دیده‌اند و کوشیده‌اند تا واقعیت غایی را دریابند و از آن برای معنا بخشیدن به زندگی خود استفاده کنند. در این رهگذر برخی از باورهای آنان صادق و برخی هم کاذب بوده‌اند. در واقع نقش «خدا» در این جا همچون نقش «واقعیت» در علم است و ادیان به منزله نظریه‌های گوناگون درباره خدا می‌باشند. در این صورت یکی از مسائل فلسفه دین آن است که به دنبال معیار و میزان‌هایی بگردد که میان نظریه‌های صادق و کاذب - دین‌های حق و ناحق - تمایز بگذارد همانطور که فلسفه علم نیز می‌کوشد تا با ارائه نظریه‌های گوناگون ملاکی برای تمیز میان نظریه‌های علمی ارائه کند.

تأمل در این معیارها نشان می‌دهد که این معیارها چه مبتنی بر آموزه‌های فلسفی و کلامی باشند و چه مبتنی بر شواهد تاریخی، همواره با عدم تعیین و قطعیت‌های فراوانی مواجه‌اند. از این رو ما را با یک دور و سردرگمی مواجه می‌سازند که ویتگنشتاین از آن به «تاریکی» یاد می‌کند. او معتقد است که این تاریکی و سردرگمی نتیجه بکارگیری «روش علم» یعنی «تبیین» در تأملات فلسفی است. از نظر او تأملات فلسفی ما چیزهایی علمی نیستند که برای آن‌ها تبیین ارائه کرد. این ویژگی غیر قطعی درباره تبیین‌ها سبب می‌شود تا ما تأملات خود را از هر تبیینی بدور داریم. «ما باید همه تبیین‌ها را کنار بگذاریم و فقط توصیف جای آن را بگیرد».

حال این پرسش مطرح می‌شود که «توصیف» در دین یعنی چه؟ وقتی از توصیف دین سخن می‌گوییم در واقع ما می‌خواهیم چه چیزی را توصیف کنیم؟ در این درسگفتار نشان می‌دهیم که این توصیف به دو معنا است: توصیف چگونگی بکارگیری یک واژه منفرد در بازی-زبان و توصیف خود بازی-زبان‌ها. از اقوال ویتگنشتاین بر می‌آید که از نظر او توصیف بازی-زبان در گرو رویکردی مردم‌شناسانه به آن است و نه تبیینی فلسفی یا جامعه‌شناختی از آن. در بخش انتهایی مقاله نشان می‌دهیم گزینش میان ادیان در واقع گزینش میان بازی-زبان‌های گوناگون است که بنا بر نظر ویتگنشتاین: «شما باید در نظر داشته باشید که بازی-زبان بیان چیزی غیر قابل پیش‌بینی است. منظور من این است که: آن مبنا ندارد. استدلال پذیر نیست (یا استدلال ناپذیر نیست). آن آنجا هست - شبیه زندگی ما» ما می‌توانیم تاریخ ادیان را به منزله اشکال گوناگون زندگی بیان کنیم اما این تواریخ آن را تبیین نمی‌کنند. ما ادعا نمی‌کنیم که تاریخ‌های آنان باید به این شیوه می‌بودند - آن‌ها به این شیوه بودند، همه‌اش همین است. بدین گونه مسئله ارزیابی میان ادیان مضمحل می‌شود.

کلیدواژه: تنوع ادیان، توصیف، تبیین، ویتگنشتاین

نسبت میان فلسفه و دین: گفتگویی انتقادی

دکتر سید مصطفی شهرآیینی

دوشنبه ۱۰:۰۰-۰۸:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: دانشیار گروه غرب شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتری فلسفه: دانشگاه تهران (۸۷-۱۳۸۲)

کارشناسی ارشد فلسفه: دانشگاه تهران (۷۷-۱۳۷۴)

کارشناسی فلسفه: دانشگاه تهران (۷۴-۱۳۷۰)

برخی از جدیدترین آثار:

- جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج، «دوره نوزایی و عقل گرایی»، انتشارات حکمت و انجمن حکمت و فلسفه، تهران، ۱۳۹۲.
- جلد چهارم تاریخ فلسفه آکسفورد، «عقل گرایان»، نوشته جان کاتینگم (انتشارات سمت، ۱۳۹۸)
- تحویل گرایی اخلاق نسبت به دین در فلسفه دیوید هیوم، کوششی برای شفاف سازی نسبت دین و اخلاق در فلسفه دیوید هیوم، مجله فلسفه دین پردیس فارابی دانشگاه تهران، نامه پذیرش به تاریخ ۳ آذرماه ۱۳۹۸ و درج شده در مقالات آماده انتشار در صفحه نشریه.
- «نسبت میان شر و اراده در افعال آدمی از دیدگاه آگوستین»، نامه پژوهشی فلسفه و کلام وابسته به موسسه علامه دانشگاه تبریز، سال شانزدهم، شماره پیاپی ۵۱، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

در درس گفتار کنونی آنچه مد نظر است این است که به هم نشینی فلسفه و دین در تاریخ فلسفه غرب نگاهی بیندازیم و رابطه‌ی میان این دو عامل بس مهم را در حیات فکری و فرهنگی جامعه‌ی اروپایی در سده‌های میانه، دوران نوزایی و اوایل دوره‌ی جدید را نشان دهیم. ما این کار را در سه بخش سده‌های میانه، دوره‌ی نوزایی و اوایل دوره‌ی جدید انجام خواهیم داد. طرح اجمالی آنچه قصد ارائه و بیان آن را داریم بدین ترتیب است که نسبت میان فلسفه و دین در سده‌های میانه را می‌توان در دو بخش سده‌های میانه‌ی متقدم و سده‌های میانه‌ی متأخر بررسی می‌کنیم. در دوره‌ی نخست، دین و فلسفه با وجود پاره‌ای تنش‌ها در ساحت عقل عملی و کنارزدن فرونیسیس یونانی توسط دین، هم نشینی کمابیش مسالمت آمیزی در ساحت نظر باهم داشتند و کسانی مانند آگوستین، دین مسیحیت را هم فلسفه، هرچند فلسفه‌ی راستین، می‌شمردند و مسیحیت که هنوز چندان دعوی نظری نداشت با فلسفه که بیش تر رنگ و بوی نوافلاطونی داشت تا اندازه‌ای

کنار می‌آمد. در قرون وسطای متأخر که از ۱۱۵۰ آغاز می‌شود، شاهد برپایی دانشگاه‌ها و سیطره‌ی مسیحیت کاتولیک از رهگذر خوانش فرانسیسکنی بر دانشگاه‌ها هستیم. در این فضا، دیگر امکان هم‌زیستی نظری میان فلسفه و دین مسیحیت که این بار در ساحت نظر قد برافراشته بود، تقریباً منتفی شد؛ چراکه مسیحیت کاتولیک خود را فرمان‌روای بلامنازع جهان مسیحیت می‌دید و رقیبی به نام فلسفه را نه تنها در ساحت عمل که در ساحت نظر هم بر نمی‌تابید. از اینروست که آموزش مابعدالطبیعه و اخلاق و طبیعیات ارسطو ممنوع شد و فلسفه که در اصل جستجوی حقیقت بود به منطق فروکاست و این تنگ‌نظری تا بدانجا بود که حتی در دانشکده‌ی هنرهای آزاد نیز از میان هنرهای سه‌گانه (منطق، دستور زبان و خطابه) و هنرهای چهارگانه (حساب، هندسه، نجوم و موسیقی) تنها به منطق و دستور زبان بها می‌دادند.

دوره‌ی نوزایی چنان که از نامش پیداست با کوشش برای زایش دوباره‌ی فرهنگ و تمدن یونانی شکل گرفت. جنبش نوزایی راه‌کار این نوزایش را در برکشیدن علوم انسانی در برابر علوم الهی قرون وسطایی دید که این رسالت سترگ را اومانیسیت‌ها به‌ویژه در ایتالیا بر عهده گرفتند و با تأسیس آکادمی‌های فراوان (که می‌توان گفت بدیل مدارس قرون وسطایی و دانشگاه‌های رسمی وابسته به کلیسا بود) به انجام این مهم همت گماشتند. با اوج گرفتن اومانیسیم، و توجه به زبان لاتینی و زبان یونانی که بیشتر به‌صورت ترجمه‌ی آثار فلسفی باستان اتفاق افتاد تفکر فلسفی به سبک قدما دیگر بار جان گرفت. توجه به زبان‌های محلی و اختراع دستگاه چاپ و رواج و رونق بازار کتاب هم به گسترش این فضای فرهیختگی هرچه بیشتر دامن زد تا جایی که دیگر دین و فلسفه، به آن معنایی که در دانشگاه‌های سده‌های میانه مطرح بود، امکان ادامه حیات نداشت. نشان‌ویژه‌ی سال‌های آغازین دوران جدید، سیطره‌ی شکاکیت در همه‌ی عرصه‌ها از جمله دین‌داری و فلسفه‌ورزی است که از دل این شکاکیت نگاه تازه‌ای به دین و فلسفه و تعامل میان آن‌ها شکل می‌گیرد که آثار آن را در نظام‌های فکری بزرگانی مانند دکارت و اسپینوزا می‌توان دید. در اینجا آن‌چه برجسته است جداسازی قلمرو فلسفه از دین است. فلسفه به دنیا می‌پردازد و دین به آخرت. مابعدالطبیعه متوجه تبیین و تمهید مبانی علوم تجربی می‌گردد و حتی دو حوزه‌ی اخلاق و سیاست هم (که یکی به حیات فردی و دیگری به حیات جمعی آدمیان در دنیا مربوط است) در قلمرو فلسفه جای می‌گیرند و دین هم تنها متولی تدبیر آخرت و زندگی اخروی می‌شود.

در پایان می‌کوشیم با تمرکز بر موضوع زبان میان‌جی (lingua franca)، با نگاهی انتقادی به رابطه‌ی میان دین و فلسفه در این دوران بپردازیم.

فلسفه دین، انسان گرایی و طبیعت گرایی^۱

دکتر ابراهیم آزادگان

دوشنبه ۱۲:۰۰-۱۰:۰۰

مشخصات علمی

Chair, Associate Professor, Department of Philosophy of Science, Sharif University of Technology, since 2013

Research scholar, School of analytic Philosophy, Institute for Fundamental Sciences (IPM), since 2016

PhD Analytic Philosophy, *Institute for Research in Fundamental Sciences*, IPM, 2005-2011

Visiting Graduate Student, St Peter's College, University of Oxford, 2010-11

M.Sc. Nuclear Physics, *Amir Kabir University of Technology*, 2000-2003

B.Sc. Electrical Engineering, *Sharif University of Technology*, 1995-2000

Recent Publications:

-*Human and the hidden God*, Tehran: Sharif University of Technology Publishing, 2019.

-E. Azadegan, 'Antitheism and Gratuitous Evil', *Heythrop Journal*, 2017.

-E. Azadegan, 'Evil in the Fine-tuned world', *Heythrop Journal*, 2019.

-E. Azadegan, 'On the current debate regarding two conceptions of Islam: Totalitarianism vs. Libertarianism', *ASIATICA* (published by Saint Petersburg State University), Vol.52. 2021

چکیده

Humanism, Naturalism and Philosophy of Religion

Summary: It is widely accepted that the problem of evil supports one of the most cogent arguments against classical theism. Philosophers of religion and theologians during the centuries have engaged in providing solutions or resolutions about this problem mainly by suggesting some sort of theodicy in defense of the goodness of the actual world against expectations of evil-free or a better world with lesser amount of evil and suffering. By distinguishing natural evils from moral evils the philosophers of religion try to put the burden of moral evils on the shoulders of humans as free agents. But in the same time freewill of the agents opens another theological problem for classical theists namely the incompatibility of divine foreknowledge with libertarian account of freewill. I shall argue following Hasker that classical theism is incompatible with libertarian account of freewill while in the same time it requires it to be saved from opponents' attacks.

^۱. این سخنرانی به زبان فارسی برگزار خواهد شد.

On the other hand, the proponents of the argument from evil are mostly naturalists. They accept the evils in the world as an actual fact of our world and encourage human beings to overcome the difficulties of the world by pursuing scientific knowledge. But human knowledge is acquired by human faculty of cognition and consciousness. Human cognition and consciousness unfortunately, I shall argue, cannot be accommodated by a naturalistic account of world origin. The problem, roughly is that random process of mutations that most naturalists accept as the mechanism upon which the biological world has been evolved is too weak to support the way human's faculty of cognition can be emerged or obtained. It seems that, as Nagel argues, the aimless process of natural selection through unconscious history cannot produce consciousness. If my argument is cogent then naturalism while cannot accommodate human cognition it requires to base its arguments upon human cognition without which no natural or scientific theory can exist.

Humanism constructs upon to principles: human faculty cognition and human freedom. Based on modern account of humanity and its emphasizes on human freedom humanism is in challenge with traditional religious authority and based on its denial of is-ought distinction and encroaching value towards facts of nature it is incompatible with naturalism. The problem with humanism however is, as MacIntyre explains, that it defines humanity free from teleology. So humanism put humanity in the vein without perfect aim and without universal value. While humanism requires that human values are ubiquitous it cannot accommodate the nature of human value.

Then today's question is: how we can support human value, cognition and freedom of the will without a philosophical problem? I try to give my own answer to this quest.

گذشته و آینده فلسفه دین و فلسفه هنر

دکتر امیر مازیار

دوشنبه ۱۶:۰۰-۱۴:۰۰

مشخصات علمی

آکنون: عضو هیئت علمی دانشگاه هنر، گروه فلسفه هنر

دکترای فلسفه هنر از دانشگاه علامه طباطبایی

برخی از کتاب‌ها:

رؤیا، استعاره و زبان دین

معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی

فلسفه هنر هایدگر، نوشته جولیان یانگ

هنر، احساس و بیان، نوشته رابرت ویلکینسون

دیالکتیک درون و بیرون (پدیدارشناسی خیال)، نوشته گاستون باشلار

دائوی نقاشی: پژوهشی در سرشت آیینی نقاشی چینی، نوشته مای سه مای

معرفت‌شناسی، نوشته اسکات استرجن، مایکل مارتین، ای.سی. گرلینگ

چکیده

آلن اسپات در مقاله‌ای با عنوان "درباره گذشته و آینده هنر، دین و فلسفه" توجه ما را به دو مدعای مشابه برخی هنرپژوهان و دین‌پژوهان جدید جلب می‌کند؛ این مدعا که دو مفهوم "دین" و "هنر" هر دو از ابداعات دوران جدیداند و تاریخ کوتاهی دارند: کریستلر در مقاله کلاسیک مشهوری نشان داده است که مفهوم هنر در قرن هجدهم پدید آمده و در روزگاران پیش از آن مفهومی مشابه برای دسته‌بندی برخی از افعال و صناعات انسانی در این نوع دسته‌بندی مفهومی وجود نداشته است. متفکران بزرگی همچون بلتینگ و دانتو نیز به نوعی این مدعا را بیان کرده‌اند. از دیگر سو در قلمرو دین پژوهشگرانی مانند کنتول اسمیت، طلال اسد و نانگبری نشان داده‌اند که در دوران قدیم مفهومی مشابه با مفهوم دین وجود نداشته است و ادیان قدیم با چنین مفهومی خود را معرفی نمی‌کرده‌اند. در واقع می‌توان مدعی شد که مفهوم جدید دین که آن را نهادی در جامعه در کنار دیگر نهادها معرفی می‌کند و باورها و اعمال خاصی را مجزا از دیگر باورها و افعال به آن نسبت می‌دهد همزاد مفهوم سکولاریسم است. این‌ها دو روی یک سکه‌اند و تصاویر مکمل یکدیگراند. اسپات می‌پرسد اگر این مدعیات را جدی بگیریم در تأملات فلسفی و علمی ما درباره آنچه در دوران پیشامدرن هنر و دین می‌خوانیم چه تحولی باید رخ دهد و آینده فلسفه دین و فلسفه هنر چه خواهند بود؟ در این گفتار به طرح مدعیات اسپات و تشریح پیشنهادهای او درباره این موضوع خواهیم پرداخت.

مطالعات دینی چه می تواند به علوم انسانی بیاموزد: منظری فلسفی

دکتر امیر صادقی

دوشنبه ۱۸:۰۰ - ۱۶:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: عضو هیئت علمی گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتری: فلسفه دین، دانشگاه تهران

کارشناسی ارشد: فلسفه دین، دانشگاه علامه طباطبائی

کارشناسی: فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی

برخی از جدیدترین آثار:

- دست نامه میانرشتگی آکسفورد، رابرت فرودمن، جولی تامپسون کلاین، کارل میچم، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع): ۱۳۹۸. ترجمه بخش رایانش و شبیه سازی، یوهانس لنهارد.

- تألیف بخشی از کتاب، کثرت گرایی: مشکلات معرفتی - تجربی باور به خدا در ارتباط بین مؤمنان، گروه فلسفه دین پژوهشگاه، ۱۳۹۰.

- ویراستاری علمی کتاب زبان دین و باور به خدا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰

- تألیف مقاله علمی - پژوهشی، کثرت گرایی جان هیگ و مشکله غرب در مواجهه با مسأله تعارض ادیان، (نویسنده مسئول) مجله

غرب شناسی بنیادی، بهار و تابستان ۱۳۸۹

- تألیف مقاله علمی - پژوهشی، امکان تفسیر واحد از دین، (نویسنده مسئول) پژوهشنامه انتقادی، ۱۳۹۷

چکیده

به نظر می رسد در عصر جدید که بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی، روانی و حتی اقتصادی در سطح جهانی ارتباط یا زاویه ای با دین دارند، نگاه از منظر فلسفه به مطالعات دینی و ارتباط آن با دیگر علوم انسانی ضرورتی بیش از پیش یافته باشد. منظر و رویکرد فلسفی این ویژگی منحصر به فرد را با خود به همراه می آورد که بدون دخالت در جزئیات و ساختارها از یکسو، صرفاً با رویکردی فلسفی به روش ها و ارتباط های دین و علوم انسانی پردازد و از سوی دیگر با ارائه تحلیل فلسفی از تأثیر و تأثر میان دین و سایر علوم انسانی، منجر به گشودگی گفتگوی بین رشته ای شود. این دیدگاه حتی می تواند با بسطی فلسفی پا را از تحلیل ارتباط های دین با دیگر علوم انسانی فراتر بگذارد و سپهری نو در گفتگوی میان علوم مرتبط با فرهنگ و علوم مرتبط با طبیعت بگشاید. البته این تحلیل اخیر از این گفتار خارج است و فقط به عنوان امکانی پیش رو طرح و بحث آن به آینده موکول خواهد شد.

با نگاه به سیر فلسفی که از کانت و پیش از او شروع شده بود و به انقلاب کپرنیکی وی در شناخت منجر شد، ملاحظه خواهیم کرد که از دلتای با مقدمه بر علوم انسانی تا متفکران مکتب بادن، نظیر ویلهلم ویندلبانند و هاینریش ریکرت و ارنست ترولچ، همگی با تعریف علوم فرهنگی به علومی که انتخاب انسانی، محور و اساس آن‌هاست سعی در تکمیل انقلاب کانتی در نگاه به دانش کردند. از این منظر انسان‌ها به مثابه کنش‌گرانی هستند که بنیاداً مختار بوده و در همه احوال خویش با انتخاب‌هایی روبرو هستند. انسان‌ها «انتخاب» و «عزم» می‌کنند، روند خاصی را به دیگری ترجیح دهند و به آن عمل کنند و این انتخاب تحت تأثیر عوامل مختلفی محقق می‌شود. با در نظر گرفتن این مقدمات منطقی و فلسفی، اندیشمندی چون وبر مطالعات دینی را در علوم انسانی دخیل دانسته و با مفهوم «ربط ارزشی» که از ریکرت وام می‌گیرد جایگاهی مبنایی در برساختن علوم انسانی برای دین قائل می‌شود. وبر تلاش می‌کند تا توضیح دهد محقق علوم انسانی که در حال پژوهش است، نه نسبت به موضوع تحقیق خود بی‌طرف است و نه عینیت‌نگر. اما کسی که دین را چیزی جز خرافات نمی‌داند، کاملاً در معرض این خطر است که هرگز عمق حیات دینی را درک نکند و موقعیتی منحصر به فرد را برای فهم علوم انسانی از دست بدهد.

در صورتی که مبانی فلسفی ارتباط دین را با دیگر دانش‌ها، چه در قالب علوم فرهنگی و چه در قالب علوم طبیعی، در نظر بگیریم افق‌های گسترده‌ای از تأثیر و تأثر میان آن‌ها به روی ما گشوده خواهد شد و به عبارتی با بازگشتی فلسفی به مطالعات دینی و جایابی این مطالعات در علوم انسانی به مثابه امری عقلانی و فلسفی می‌توان منظری راهگشا به موضوعاتی نظیر:

- نظریات اخلاق
- معنای زندگی
- روانشناسی
- جامعه‌شناسی
- علوم سیاسی و روابط بین‌الملل
- مطالعات فرهنگی و مطالعات میان‌فرهنگی
- جهانی‌شدن
- اقتصاد

و بسیاری دیگر، بلکه همه زمینه‌های علوم انسانی یا حتی دانش‌های خارج از علوم انسانی داشت که خود این ظرفیت بالقوه را دارد تا در سرفصل‌های زیر در قالب پرسش و موضوع پژوهش، تحقیق شود:

۱. در نگاه اول رابطه مطالعات دینی با دیگر علوم انسانی به لحاظ روش و محتوا چیست؟

۲. مطالعات دینی بخشی از علوم انسانی است یا حوزه‌ای متفاوت اما مرتبط؟

۳. ورود منظر فلسفی چه تغییری/تأثیری در نگاه ما به این رابطه دارد؟
۴. آیا رویکرد کلی به علوم انسانی می‌تواند تحت تأثیر مطالعات دینی تغییر کند؟
۵. تشریح رابطه دین به‌عنوان عنصری از فرهنگ بشر، با دیگر علوم مرتبط با فرهنگ.
۶. بررسی مثال‌هایی از تأثیر و تأثر بین مطالعات دینی و دیگر علوم انسانی.
۷. گزینش چند مثال از تأثیر و تأثر مطالعات دینی و دیگر علوم انسانی برای توضیح و تشریح بیشتر.
(خشونت و صلح، اقتصاد، مطالعات فرهنگی و میان‌فرهنگی، جهانی‌شدن)

دین فراسوی محدوده عقل

دکتر سید امیر اکرمی

سه‌شنبه ۱۰:۰۰-۰۸:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: عضو هیئت علمی گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر، فلسفه دین، دانشگاه مک گیل کانادا، ۱۳۷۷، دفاع از تز در موسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۸.
کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، ۱۳۶۸.
کارشناسی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، ۱۳۶۵.

برخی از آثار:

- دین و تغییر؛ مقالات و سخنرانی‌های پروفیسور وینسنت برومر، انتشارات مرکز بین‌المللی گفتگوی بین تمدن‌ها.

- The Religion of Love: A Space for All, in Reflections, published by Yale Divinity School, Spring 2016
- The Quran and Ahl Al-Kitab (People of the Book), to be published by Washington Theological Consortium
- 'Particularity and Universality of Revelation in the Quran', in David Marshall., (ed) Communicating the Word: Revelation, Translation, and Interpretation in Christianity and Islam, Georgetown University Press, 2011
- 'Human Destiny according to the Quran', in Michael Ipgrave and David Marshall., (eds): Humanity: Texts and contexts, Washington, D.C. Georgetown University Press, 2011
- 'Globalizations and Inter-Cultural Dialogue'. Presented at International Conference on Dialogue among Cultures, Seville, Spain, May 2002,

چکیده

بحث درباره نسبت بین دین و عقل، یا به تعبیر تروتولیان بیت القدس و آتن، ژرفا و گستره‌ای بس بزرگ در تاریخ اندیشه بشر دارد. با ضعیف شدن توان اقناعی و سیاسی - اجتماعی الهیات دانان و فیلسوفان دین باور در عصر روشنگری در برابر پیشروی‌های علم تجربی و برخی اندیشه‌های فلسفی و آسیب‌های عمیقی که نقدهای اسپینوزا، هیوم و کانت بر تفکر رسمی یهودی - مسیحی حاکم بر اندیشه غربیان وارد آوردند، هم امکان و هم ضرورت جولان دین در قلمرو‌هایی بیرون از ساحت عقل بشر بیشتر شد و رگه‌هایی از اندیشه پیشینیان که بر استقلال دین از عقل تأکید می‌کرد و یا راه‌های نوین دیگری که در پی حراست از دین و تقویت ارزش‌های معنوی و اخلاقی آن بود، در اندیشه برخی متفکران غربی قوت یافت. بسیاری از این تلاش‌های فکری تحت عنوان ایمان‌گرایی (fideism) معرفی شده‌اند که تعریف‌های گوناگون و خوانش‌های متفاوتی از آن عرضه شده است.

در این درس گفتار، پس از بیان برخی مقدمات ضروری و تأملی بر اندیشه دین در محدوده عقل محض کانت، به تبیین راه‌های گوناگونی خواهیم پرداخت که اندیشمندان ایمان‌گرا پیموده‌اند و با تکیه بر آن‌ها خواسته‌اند دین را در فراسوی مرزهای عقل بنشانند و بدین ترتیب از آن محافظت نمایند. در این چارچوب به آراء فیلسوفانی مانند کانت، پاسکال، کیرکگارد، ویلیام جیمز، ویتگنشتاین، دان کیوپیت، فیلیپس و پلتنینگا نظر خواهیم افکند و سپس نگاهی به آراء سه متفکر دین‌های شرقی در این زمینه خواهیم داشت. در پایان ارزیابی کلی‌ای از رویکرد ایمان‌گرایی و قوت و ضعف‌های آن ارائه خواهد شد.

فلسفه دین پس از متافیزیک

دکتر مهدی اصفهانی

سه‌شنبه ۱۲:۰۰-۱۰:۰۰

مشخصات علمی

Professor of Philosophy (Philosophy of Religion); Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, 2019-today.
Postdoc, Freie Universität Berlin, Institut für Vergleichende Ethik und Institut für Philosophie, 2014-2016.
Ph.D. in Philosophy, Freie Universität Berlin, 2014.
Ph.D. in Western Philosophy, Iranian Institute of Philosophy, 2009.
Research Stay at Albert-Ludwigs-Universität Freiburg, 2006-2008.
Master in Western Philosophy, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, 2004.
Bachelor in Industrial Engineering, Technical Amirkabir University, Tehran, 2001.

Recent Publications:

-Über die Notwendigkeit einer neuen Übersetzung des Korans in de deutsche Sprache Teil 2, In: Spektrum Iran Nr. 3/4-2021, 34. Jahrgang . 2021.
-Das Menschenbild im Koran, In: The Turn, Zeitschrift für islamische Philosophie, Theologie und Mystik, Nr. 3, Berlin, 2021.
-Pseudo-Dionysius, A Commentary on the Texts and an Introduction to Their Influences; Paul Rorem, Book Translation from English to Persian, The University of Religions and Denominations Press. 2020.
-Religion and Science, Four Models, an Iranian Approach; In: MARBURG JOURNAL OF RELIGION. 2020.
-Der Körper und die religiöse Sprache, In: In: The Turn, Zeitschrift für islamische Philosophie, Theologie und Mystik, Nr. 2, Berlin, 2019.

چکیده

چنان‌که از عنوان پیداست در این درس لا اقل چهار موضوع فلسفه، دین، متافیزیک و تاریخ در ارتباط با یکدیگر مورد تأمل قرار می‌گیرند. برای این منظور باید می‌کوشیم در اطراف این سوال دقیق شویم که «پرسش بنیادین متافیزیک» چیست؟ در این مسیر بخصوص به فصل اول در آمدی بر متافیزیک هایدگر نظر خواهیم داشت.

در گام بعد به «وظیفه تخریب تاریخ هستی‌شناسی» و در پی آن تحقق شرایط فکری که روزگار پس از متافیزیک نامیده می‌شود خواهیم پرداخت. در این مسیر به بند هم نام از مقدمه وجود و زمان نیز خواهیم پرداخت.

در مرحله سوم به تاریخی بودن فلسفه دین در بستر تاریخ متافیزیک و هستی‌شناسی پرداخته خواهد شد. این کار از گذر تلاش برای درک درست آن چه فلسفه دین تاکنون بوده است و آن چه ناگزیر خواهد بود میسر است.

در گام چهارم این مسیر مسئله بررسی شرایط امکان تأملات فلسفی درباره «دین» در عصری است که متافیزیک به پریروز و راسیونالیسم به دیروز تعلق دارد.

فلسفه دین: رویکردی هرمنوتیکی

دکتر محمدرضا بهشتی

سه‌شنبه ۱۶:۰۰-۱۴:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران

کارشناسی: فلسفه، دانشگاه تهران ۱۳۶۶

کارشناسی ارشد: فلسفه، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸

دکتری: فلسفه، دانشگاه هامبورگ ۱۳۷۶

برخی از جدیدترین آثار:

سیدمحمدرضا حسینی بهشتی و سیدمسعود حسینی. از هایدگر تا گادامر در مسیر هرمنوتیک. تهران: نی، ۱۳۹۹.

سیدمحمدرضا حسینی بهشتی. بر ساخت گذشته. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۹.

Handeln Gottes Antwort des Menschen, Ferdinand Schoningh, 1393.

Seyed Mohammadreza Hoseini Beheshti. "Frieden und Gerechtigkeit im religiösen Kontext." Dialog

(2010): 193-201.

چکیده

رهیافت هرمنوتیکی در فلسفه دین

همان‌گونه که دست‌کم از آنچه از زمان انتشار کتاب *درآمدی بر هرمنوتیک فلسفی*، اثر ژان گروندن به «پیش‌تاریخ» رهیافت هرمنوتیک فلسفی موسوم شده است، می‌دانیم مهم‌ترین خاستگاه این رهیافت در چارچوب هرمنوتیک متن دینی (در کنار متن حقوقی و متن پزشکی) با حوزه دانش دین از دیرباز پیوندی دیرینه داشته است. در تاریخ اندیشه مغرب‌زمین از زمان رواقیان کوشیده‌اند تا با رویکرد تأویلی به اسطوره‌های دینی، فهمی از آن‌ها به دست دهند که عقلانی و اخلاقی باشد و بتواند تکیه‌گاهی برای مقبول‌ساختن عمومی آرای فلسفی‌شان گردد. این کوشش در مواجهه ادیانی چون یهود و مسیحیت که در آن‌ها متن مقدس نقشی محوری ایفا می‌کرد، در قالب تفسیر این متون به‌ویژه تفسیر آگوریک (تمثیلی) و تیپولوژیک (تفسیر عهد عتیق بر پایه عهد جدید) نزد مفسران یهودی و نیز آبای مسیحی کلیسا از اهمیت بالایی برخوردار شد و با پیدایش آیین پروتستان به یکی از نقاط عطف خود رسید و در شکل‌گیری آموزه‌های دینی این آیین تأثیر ماندگاری داشته است. اما گفتار حاضر نه پرداختن به رابطه هرمنوتیک با متن دینی، بلکه بررسی رهیافت هرمنوتیک فلسفی به خود پدیده دین است. در پاسخ به پرسش از چیستی دین در سنت مابعدالطبیعی و سپس، با غلبه تفکر نومیالیستی و شکل‌گیری علوم جدید با دو نگرش عمده، یعنی نگرش ذات‌گرایانه و

نگرش کارکردگرایانه در تبیین دین روبه‌رو می‌شویم. براساس نگرش نخست، پاسخ این پرسش تعریف یا توصیفی از دین است که بتواند به‌رغم تکرر و تنوع آنچه ذیل نام دین با آن روبه‌رویم، مفهومی ذاتی یا دست‌کم توصیفی جامع و مانع از آن ارائه کند. در نگرش دوم، موضوعی به‌نام دین به چیز دیگری ارجاع می‌شود که دین به‌منزله کارکردی برای برآورده‌ساختن آن به‌شمار می‌رود. براساس نگرش کارکردگرایانه، دین یا کوششی است برای تبیین پدیده‌های طبیعی یا توجیهی است برای ضرورت عمل به تکلیف اخلاقی و یا برپایی و پایداری نظام‌های اجتماعی و سیاسی یا حاصل فرافکنی‌های روانکاوانه و یا مولود ترس تحمل‌ناپذیر انسان از مرگ. در هر دو گرایش گریزی از پرداختن به چیستی دین نیست.

رویکرد مابعدالطبیعی به دین متکی به درکی عقلانی و در نهایت، شهودی به آن است. در مقابل، تلاش فلسفه‌ورزان تحصّلی بر پرداختن به دین به روشی گرت‌برداری‌شده از روش علوم تحصّلی یا تحلیل ساختار زبانی است. در رویکرد پدیدارشناسی کوشش بر این است که با عطف نظر از ویژگی‌هایی که به صورت‌های محصل موجود از دین بازمی‌گردند، به «ذاتی» پدیدارشناسانه از دین در آگاهی دست یابند که بتواند پذیرشی بین‌الادّهانی پیدا کند.

رهیافت هرمنویتیکی به دین، فراتر از این تلاش پدیدارشناسانه، در جستجوی دستیابی به فهمی از دین است که فراتر از جستجوی آن در حیطة آگاهی بتواند نسبت آن با وجود و ظهور وجود در انسان و جهان را آشکار سازد. هدف ارائه پیش‌رو، روشن‌ساختن این رویکردها در قبال دین از منظر فلسفی است.

علم و دین: رویکردی پدیدارشناسانه

دکتر مهدی معین زاده

سه‌شنبه ۱۸:۰۰_۱۶:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: استادیار و سرپرست مدیریت پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دکتری تخصصی: فلسفه علم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱

دکتری عمومی: پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۱۳۷۳

برخی از جدیدترین آثار:

- معین زاده، مهدی. اسکوتوس هایدگر تفسیر نوکانتی پدیدارشناختی هایدگر از دونس اسکوتوس. تهران: پگاه روزگار نو، ۱۳۹۹.
- معین زاده، مهدی. تلائم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به مثابه فرونیسیس. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.
- معین زاده، مهدی. "حضور ضمنی مفهوم فرونیسیس (حکمت عملی) ارسطو در «وجود و زمان» هایدگر." فصلنامه حکمت و فلسفه ۱۳۹۹

moeenzadeh, mehdi, and sepideh motamedi. "Frankenstein or Prometheus: An Investigation in Essentialism of Medical Technology." *International Journal of Body, Mind and Culture* (a) 4, no. 1 (2017): 17-35

چکیده

چه از «علم» معنی مدرن و چه مفهوم پیش مدرن آن را مراد کنیم، مساله نسبت بین علم و دین از دیرباز مساله‌ای سترگ بوده که اذهان عقلای کثیری را به خود معطوف داشته است. این مساله در طول تاریخ با صورتبندی‌های مختلفی چون نسبت عقل و وحی، عقل و ایمان، علم و ایمان، علم و وحی و ... مطرح گردیده که علیرغم تفاوت در شکل صورتبندی، در بن خود به مساله‌ای واحد اشاره داشتند. آنچه اما از بسیاری از این رویکردها غائب بوده، رویکردی هستی‌شناختی به موضوع بوده است.

در این مقال و مجال ما بر آنیم با تفکیکی که بین مفهوم «آیه» از سوئی و مفهوم «عین» یا «ابژه» از سوی دیگر می‌افکنیم، نشان دهیم که این دو حوزه به لحاظ هستی‌شناختی اساساً با دو متعلق متمایز و گاه متباین سروکار دارند. «آیه»، نظر را از خود دور و به چیزی دیگر معطوف می‌کند چرا که ذات آن اشاره به چیزی غیر از خود است. «عین» یا «ابژه» اما حیث اشاره به غیر از خود را ندارد و فاعل شناسا را دعوت به مذاقه در اوصاف خود می‌کند. آیه در حوزه دین قرار می‌گیرد و عین در حوزه علم.

لیکن چنین نیست که هیچ راه و کوره راهی بین این دو وجود نداشته باشد. ما از دو جنبه به جستن این کوره راه خواهیم پرداخت. اول آنکه پدیدارشناسی - که ما در این مقال از مفهوم «قصد معنا» در «شهودهای پرنشده‌ی» آن استفاده خواهیم کرد- راهی برای برقراری یک نسبت بین این دو حوزه فراروی ما می‌نهد. دوم آنکه چنانکه می‌دانیم و مشهور اهل فلسفه است، هایدگر بر تکنولوژی نسبت به علم تقدم وجودی قائل بود. ما با عنایت به تفسیر هایدگر از مفهوم «تخنه» ارسطو، از جنبه‌ای دیگر سعی در ایجاد پلی بین این دو حوزه خواهیم نمود.

پایان فلسفه دین و پس از آن

دکتر محمدابراهیم باسط

چهارشنبه ۰۸:۰۰_۱۰:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: دبیر گروه فلسفه و کلام سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) (۱۳۹۸).
در حال اجرای طرح پژوهشی «فروگشایی منازعه مرجعیت میان دین و علوم انسانی برای هدایت جامعه در اندیشه فریدریش شلایرماخر»
در همکاری با مرکز علم و الهیات دانشگاه شهید بهشتی.
دانش‌آموخته دکتری در رشته فلسفه دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۹۷)،
عنوان رساله: «نسبت تجربه دینی در اندیشه شلایرماخر با تجربه زیسته در اندیشه دیلتای»

برخی آثار علمی

- مترجم کتاب‌های

- الف. فلسفه دین و فلسفه قاره‌ای، نوشته مجموعه نویسندگان، به سرویرستاری مورنی جوی، کتاب طه، ۱۳۹۷؛
ب. درباره دین: سخنانی با تحقیرکنندگان فرهیخته‌اش، نوشته فریدریش شلایرماخر، نشر نی، ۱۳۹۹.
- ویراستار مجله علمی-پژوهشی پژوهشنامه فلسفه دین (۱۳۹۳).

چکیده

کتاب نیک تراکاکیس با عنوان «پایان فلسفه دین»^۱ که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، برای نخستین بار ایده‌ای را طرح کرد که گویی از مدت‌ها قبل ذهن افراد دیگری را نیز مشغول کرده بود، اما کسی جسارت بیان آن را نداشت: این که فلسفه دین در سنت تحلیلی در پی هدفی است که با سبک و روش جاری در این سنت محقق نخواهد شد، یا به عبارت دیگر انبوه پژوهشگران، دانشجویان و استادان، دپارتمان‌ها، مجلات

^۱. *The End of Philosophy of Religion*, by Nick Trakakis.

و کتاب‌های فلسفه دین در پی هدفی دست‌نیافتنی یا حتی بیهوده هستند. اما این احساس فروخورده رو به پایان بودن و فروبستگی، پس از انتشار کتاب او مجال بروز یافت. دلایل مختلف دیگری به نفع (و بر ضد) پایان فلسفه دین بیان شد، و راه‌های بدیل مختلفی برای پیگیری فلسفه دین یا گسترش آن در مسیرهای تازه‌تر پیش کشیده شد. از میان کسانی که این دیدگاه‌ها را طرح کردند، تیموتی نپر در واکنش به ایده پایان تراکاکیس کتابی را با عنوان *پایان‌های فلسفه دین: نهایت و غایت*¹ در سال ۲۰۱۳ به انتشار رساند، و در آن تلاش کرد نشان دهد که برای جلوگیری از چنین پایانی فلسفه دین باید وجه تاریخی خود را افزایش دهد، خود را به مسیحیت محدود نکند و برای این کار لازم است از مطالعات تطبیقی ادیان یاری بگیرد. برخلاف تراکاکیس که برای حل این بن‌بست در فلسفه دین تحلیلی بیشتر بر یاری گرفتن از فلسفه قاره‌ای تأکید می‌کند، تیموتی نپر راه برون‌رفت را نه در هم‌آمیزی این دو سنت فلسفی غرب، بلکه در یاری گرفتن از مطالعات ادیان و سنت‌های دینی دیگر می‌جوید. در کتاب جدیدتری که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است، با عنوان *بازپیکربندی فلسفه دین*، نیک تراکاکیس و تیموتی نپر هر کدام مقاله‌ای دارند، که در این دو مقاله آنان تا حدی در دیدگاه‌های اولیه‌شان که در دو کتاب یادشده بیان شده است تجدیدنظر کرده‌اند. در این سخنرانی، تلاش می‌کنم گزارشی از دیدگاه‌های هر یک از این دو ارائه کنم، و تغییراتی را که در دیدگاه هر یک رخ داده شرح دهم. اهمیت انتخاب این دو فرد در این است که عمده‌ترین دلایل فروبستگی فلسفه دین (به‌ویژه در سنت تحلیلی) و عمده‌ترین راه‌های بدیل برای ادامه فلسفه دین را بیان کرده‌اند. در کنار این گزارش، و بیشتر همسو با نیک تراکاکیس، تلاش می‌کنم دلایل دیگری نیز برای فروبستگی فلسفه دین تحلیلی بیان کنم، از جمله این که بدون موضع‌گیری در قبال مسئله متافیزیک، فلسفه دین نمی‌تواند مبانی استواری داشته باشد. همچنین تلاش می‌کنم، این بار تا حدی همسو با تیموتی نپر، پیشنهادی برای بومی‌سازی فلسفه دین ارائه کنم، که از قضا نه در جهتی مخالف با حرکت این رشته در سطح بین‌المللی است، بلکه با توجه به فروبستگی فعلی می‌تواند به گشودن راه‌های جدید در این رشته در سطح بین‌المللی یاری برساند.

¹ *The ends of philosophy of religion: Terminus and telos*, Timothy D. Knepper

بومی‌سازی فلسفه دین

دکتر اعظم قاسمی

چهارشنبه ۱۲:۰۰_۱۰:۰۰

مشخصات علمی

اکنون: استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۸۹ تا کنون) و مدیر گروه فلسفه‌ی دین (۱۳۹۶ تا کنون)

دکتری: فلسفه غرب از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۸۶)

کارشناسی ارشد: فلسفه غرب از دانشگاه تهران (۱۳۷۶)

کارشناسی: فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه شهید مطهری (۱۳۷۳)

آثار و فعالیت‌های پژوهشی

عمدتاً در حوزه‌ی فلسفه‌ی دین، فلسفه‌ی اخلاق، حکمت متعالیه و متافیزیک بدین شرح: به انجام رساندن هشت طرح پژوهشی مستقل.

طرح جاری: استنباط روش‌شناسی از سنت کلامی معتزلی (عبدالجبار، زمخشری) و اشعری (غزالی، فخر رازی) است که ذیل کلان طرح

فلسفه‌ی دین بومی می‌گنجد.

تألیف ۳ کتاب پژوهشی.

نگارش ۲۳ مقاله‌ی علمی - پژوهشی، ۴ مقاله‌ی علمی - ترویجی و ۴ مقاله‌ی علمی - تخصصی (غالب مقالات مستقل است).

نگارش و ارائه‌ی مقالات متعدد در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی.

راهنمایی و مشاوره‌ی ۱۸ پایان‌نامه‌ی دکتری و کارشناسی ارشد.

عنوان سخنرانی: فلسفه‌ی دین بومی

چکیده: در ارائه‌ی سخنرانی با عنوان «فلسفه‌ی دین بومی»، به تبیین طرح کلی‌ام در این خصوص می‌پردازم. طرح پژوهشی در حال اجرای من با عنوان «استنباط روش‌شناسی از سنت کلامی» به یک جنبه از بومی‌سازی فلسفه‌ی دین می‌پردازد. همچنین طرح‌های پیشین من در حوزه‌ی عقل و ایمان، به یک جنبه‌ی دیگر از بومی‌سازی فلسفه‌ی دین می‌پردازد. پرسش‌ها و سرفصل‌ها از این قرار است: مسأله و دغدغه در طرح فلسفه‌ی دین بومی و ضرورت پرداختن بدان چیست؟ تعریف بومی در فلسفه‌ی دین. تعاریف و کاربردهای مختلف فلسفه‌ی دین بومی؛ هدف از ایجاد فلسفه‌ی دین بومی؛ ورود فلسفه‌ی دین جدید به ایران و اهداف مؤسسان این رشته در دانشگاه‌ها و نسبت آن با فلسفه‌ی دین بومی؛ تحلیل و تبیین وضعیت موجود و بررسی زمینه‌های مورد نیاز برای پژوهش در فلسفه‌ی دین بومی. در این سخنرانی تنها به ارائه‌ی چارچوب کلی می‌پردازیم و هدف آن است تبیین شود اندیشیدن و نظریه‌پردازی در مسأله‌های مرتبط با دین و نیز آموزه‌های دینی، با روش و رویکردی متفاوت با آن چه هست نه تنها ممکن است بلکه در مواردی ضروری است. علاوه بر آن برخی از امکانات موجود فلسفه‌ی دین بومی بررسی می‌شود.